

معناشناسی امنیت در مکتوبات سیاسی فقه‌های شیعه در عصر مشروطیت

تاریخ دریافت: ۸۷/۱۱/۱۳
تاریخ پذیرش: ۸۸/۴/۳۰

دکتر ناصر جمال زاده^۱

چکیده

امنیت از جمله مفاهیمی است که همواره مورد توجه اندیشمندان سیاسی و حاکمان سیاسی بوده است تا آنجا که برخی تأمین امنیت را وظیفه اصلی دولت‌ها دانسته‌اند. فقه‌های شیعه نیز در دوره‌های مختلف تاریخی همواره به دنبال امنیت دینی و سیاسی جامعه شیعی بوده‌اند و از قواعد و اصول فقهی مختلفی با استناد به قرآن و سیره معصومین در تأمین امنیت شیعیان بهره گرفته‌اند. تقیه، امور حسیه، مقدمه واجب، امر به معروف و نهی از منکر و حفظ جامعه اسلامی، از جمله قواعد و اصولی هستند که فقها در اثبات ضرورت امنیت برای کشور و جامعه شیعی استفاده کرده‌اند. در عصر مشروطیت به دلیل ضعف حکومت پادشاهی قاجاریه در تأمین امنیت ملی جامعه، فقه‌های شیعه نظیر سه مرجع بزرگ، آخوند خراسانی، مازندرانی، تهرانی و آیت الله نائینی و دیگر فقه‌های بزرگ شیعی، راه حل تأمین امنیت را در همراهی با نهضت مشروطیت دیدند و به تبیین فقهی مشروطه اسلامی پرداختند. مقاله حاضر در صدد تشریح نگاه دینی فقها به مسئله امنیت ملی در خلال مکتوبات سیاسی آنهاست و مدعی است که برداشت فقها از امنیت ملی با توجه به دیدگاه‌های جدید در زمره دیدگاه‌های سلبی قرار می‌گیرد.

کلید واژه‌ها

امنیت (Security)، امنیت ملی (National Security)، عصر مشروطه (Constitutionalism)، مکتوبات سیاسی فقها (Political literature).

مقدمه

امنیت، یکی از مفاهیم بنیادین علم سیاست، در کنار مفاهیمی مانند نظم و عدالت از دیر باز مورد توجه اندیشمندان و حاکمان سیاسی بوده است تا آنجا که برخی اندیشمندان سیاسی عامل پیدایش دولت‌ها را تأمین امنیت برای شهروندان دانسته‌اند، ماکیاولی حتی پیدایش برخی شهرها نظیر آتن و ونیز را به دلیل نیاز آنها به تأمین امنیت ذکر می‌کند (ماکیاولی، ۱۳۷۷: ۳۷). برخی از نظریه‌پردازان معاصر نظیر جفری الیوت^۱ و رابرت ریجینالد^۲ نیز تأمین امنیت را یکی از وظایف اصلی دولت برمی‌شمارند و معتقدند که دولت‌ها باید در دفاع از کشور به صورت یک مجموعه واحد عمل کنند.

اگر کشوری در وضعیتی قرار داشته باشد که به صورت نسبی یا کامل از تهدید احتمالی نظامی، سیاسی یا اقتصادی دیگر کشورها به دور باشد، در آن صورت دارای امنیت ملی است. با این تلقی، تأمین امنیت ملی از مسئولیت‌های اولیه و بنیادین دولت به شمار می‌آید. در نظام‌های سیاسی فدرال - مانند آمریکا - قانون اساسی تصریح دارد که حکومت‌های فدرال برای تأمین امنیت ملی لازم است تا در قالب مجموعه واحدی عمل کنند و نظام دفاع مشترک را پیشه سازند (افتخاری، ۱۳۸۰: ۲۵۷).

بنابراین، امنیت یک نیاز بشری است که انسان‌ها در پرتو دولت‌ها به دنبال تأمین آن بوده‌اند. ادیان و مذاهب الهی نیز به دنبال تأمین امنیت روانی و فیزیکی پیروان خود بوده‌اند. اسلام و مذهب شیعه نیز از این امر مستثنی نبوده، هم در آیات قرآن و هم در کلمات و سنت پیامبر اکرم (ص) و سیره امامان معصوم شیعه (ع) به این پدیده توجه ویژه شده است. شاید بتوان یکی از اهداف وضع برخی از اصول و قواعد در فقه شیعه را حفظ جامعه مسلمانان و شیعیان از ناامنی و نابودی دانست. در این خصوص قواعد و اصولی نظیر تقیه، امر به معروف، نهی از منکر و امور حسبیه را می‌توان نام برد که فقها در کتب فقهی خود به صورت کتاب‌های مستقل یا پراکنده به آنها پرداخته‌اند.

از سوی دیگر، در نظریه‌های جدید امنیت ملی در عصر حاضر به دو دیدگاه سلبی و ایجابی در امنیت برمی‌خوریم که یکی امنیت ملی را در نبود تهدید و دیگری آن را در جنبه‌های ایجابی قدرت فرهنگ و اقتصاد و مشروعیت یک حکومت می‌بیند.

با این مقدمه، این مقاله قصد دارد به سراغ علمای شیعه در مقطع نهضت مشروطه در ایران برود و تلقی آنها را از مفهوم امنیت با استفاده از مکتوبات ایشان کشف

1. Jeffrey M. Elliot

2. Robert Reginald

کند. مقاله به دنبال اثبات این فرضیه است که فقهای شیعی در مقاطع مختلف و از آن جمله مقطع مشروطیت با هدف حفظ جامعه شیعی و حفظ استقلال کشور از سلطه استعمارگران همراه نهضت‌ها می‌شدند و از نگاه آنها، امنیت با امنیت دینی و حفظ ارزش‌های جامعه شیعیان یکی بوده است.

مفهوم امنیت از لحاظ لغوی و اصطلاحی

در فرهنگ‌های لغت در تعریف امنیت بر مفاهیمی مانند ایمنی، آرامش و آسودگی (فرهنگ عمید، ۱۳۷۹: ۲۳۳) و در امان بودن و بیم نداشتن (فرهنگ معین، ۱۳۶۳: ۳۵۲) تأکید شده است. باری بوزان امنیت را از لحاظ لغوی عبارت از حفاظت در مقابل خطر (امنیت عینی)، احساس ایمنی (امنیت ذهنی) و رهایی از تردید (اعتماد به دریافت‌های شخصی) تعریف می‌کند (بوزان، ۱۳۷۸: ۵۲).

از نظر اصطلاحی نیز نظریه‌پردازان امنیت و مباحث استراتژیک مانند آرنولد ولفرز^۱ و باری بوزان^۲، امنیت را مفهومی مبهم، نسبی، چند وجهی و توسعه نیافته دانسته‌اند (گزیده مقالات سیاسی - امنیتی، ۱۳۷۵: ۳۱۹-۳۱۷) که در ویژگی‌های آن مانند بسیاری از مفاهیم علوم انسانی اتفاق نظر وجود ندارد. امنیت در سه سطح فرد، کشور و نظام بین‌الملل می‌تواند مطرح باشد که در این صورت به امنیت فردی، امنیت ملی و امنیت بین‌المللی تقسیم می‌شود. بنابراین وقتی امنیت را از مفهوم عمومی خود خارج کنیم و در قالب کشور یا جهان مطرح کنیم هویت واقعی خود را پیدا می‌کند. امنیت ملی^۳ بعد از معاهده وستفالی در ۱۹۴۸ و تشکیل دولت - ملت‌های^۴ جدید با چهار مشخصه حکومت، جمعیت، قلمرو و حاکمیت اهمیت ویژه‌ای پیدا کرد. با توسعه روابط کشورها با یکدیگر و کوچک‌تر شدن جهان با رشد فناوری و اینترنت و ماهواره و بروز پدیده‌ای مانند تروریسم در سطح جهان، امنیت بین‌المللی^۵ مهم شد و اندیشمندان مختلف به مطالعه و بررسی آن پرداختند و دیدگاه‌های متفاوتی در میان آنها شکل گرفت.

این مقاله با مفهوم امنیت به‌طور عام و امنیت ملی به‌طور خاص، سر و کار دارد و می‌کوشد تا ذهنیت فقهای شیعه را در عصر مشروطیت واکاوی کند و با توجه به

1. Arnold Wolfers
2. Barry Buzan
3. National Security
4. Nation State
5. International Security

مکتوبات آنها برداشت این فقها را از مفهوم امنیت و امنیت ملی بیان کند. در اینجا ابتدا دیدگاه‌های مختلف در ارتباط با امنیت ملی را مطرح می‌کنیم و سپس به تطبیق این دیدگاه‌ها با اندیشه‌ی علما در این مقطع می‌پردازیم.

در بین اندیشمندان سیاسی دو رهیافت از امنیت ملی وجود دارد؛ یک رهیافت بر جنبه‌ی سلبی امنیت تکیه دارد و از «فقدان تهدید» در تأمین امنیت جامعه سخن به میان می‌آورد و آن را در ذیل مفهوم قدرت سیاسی جزئی از قدرت دولت فرض می‌کند، مانند توماس هابز و ماکیاولی و باری بوزان. رهیافت دیگر بر جنبه‌ی ایجابی امنیت پای می‌فشارد و از حفظ ارزش‌ها و افزایش مشروعیت نظام سخن به میان می‌آورد. به این ترتیب، دو رهیافت در زمینه‌ی مطالعات امنیتی پدید می‌آید که به رهیافت سلبی و رهیافت ایجابی معروف‌اند (رک: افتخاری، ۱۳۸۵: ۲۹۱-۲۸۳).

شاخص بارز رهیافت امنیت سلبی تأکید بر جنبه‌ی نظامی امنیت است و درجه‌ی امنیت یک کشور را با توجه به توانایی دفع دشمن خارجی ارزیابی می‌کنند. از لحاظ تاریخی، این رویکرد اولین رویکرد شناخته شده در مطالعات امنیتی است. در این دیدگاه هر چه کشوری قدرتمندتر باشد می‌تواند امنیت بیشتری را برای شهروندانش تأمین کند و امنیت تابعی از میزان قدرت است. ویژگی‌های این رهیافت عبارت‌اند از: تهدید محوری، تکیه بر جنبه‌های سخت افزاری تهدید و وجود دشمن بیرونی (همان: ۲۸۵-۲۸۴).

در دو دهه‌ی اخیر در رد دیدگاه سلبی امنیت از جانب کسانی مانند رابرت ماندل^۱، مارک سومر^۲ و جوآن گالتنگ^۳ این دیدگاه مطرح شد که: آیا نبود یک تهدید می‌تواند وضعیّت امنی را ایجاد کند؟ تشکیک در «سلبی نگری» باعث شد که «رهیافت سلبی امنیت» تضعیف شود. در این دیدگاه، امنیت دیگر به نبود «تهدید» که خود اصطلاحی مبهم بود تعریف نمی‌شد، بلکه ماهیتی «تأسیسی» داشت. در این دیدگاه، «امنیت ملی، مجموعه‌ی توانمندی‌های (طبیعی، بهره‌برداری و راهبردی) یک نظام برای دستیابی به منافع ملی را شامل می‌شد که مقدمه‌ی آن نبود تهدید است، اما صرفاً در آن خلاصه نمی‌شد، چنان که رابرت ماندل نیز گفته است: «امنیت ملی شامل تعقیب روانی و مادی ایمنی است و اصولاً جزء مسئولیت حکومت‌های ملی است. نکته‌ی محوری این تعریف بیشتر تعقیب ایمنی است تا کسب آن» (افتخاری، ۱۳۷۹: ۳۳).

1. Mandel, Robert

2. Mark Sommer

3. Juhan Galtung

افتخاری این دیدگاه را چنین معرفی می‌کند: «در مجموع، حاصل تلاش پیگیرانه این گروه از اندیشمندان، تصویر سیمای نسبتاً جامعی از امنیت است که در آن ابعاد متفاوتی چون اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، زیست‌محیطی، فضایی، فنی و نظامی در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و جهانی، همراه با هم مدنظرند. ویژگی بارز امنیت ملی در این دوران آن است که از آن به مثابه «پروژه‌ای باز»^۱ یاد می‌شود که با گذشت زمان به تنوع و تعدد ابعاد آن افزوده می‌شود. به عبارت دیگر، امنیت، «فرایندی مستمر»^۲ به شمار می‌آید که در هر عصر و دوره‌ای می‌توان - و باید - ابعاد تازه‌ای از آن را کشف و بدین ترتیب به تکمیل «چیستان امنیتی» کمک کرد. تعبیر لودگارد^۳ مبنی بر اینکه از ویژگی‌های جهان معاصر، یکی «تولید انبوه ناامنی» است، خود دلالت بر آن دارد که گویی محدود کردن ابعاد امنیت ملی اساساً امری ناممکن است و باید این خیال خام را از سر به در کرد» (افتخاری، ۱۳۷۹: ۳۱). بدین ترتیب در رهیافت ایجابی امنیت ملی با ویژگی‌های اتکا بر رضایت شهروندان از حکومت به جای حکومت بر اساس تهدید و ارباب، بالا بردن مشروعیت از درون و تکیه بر قدرت نرم به جای قدرت سخت اهمیت می‌یابد (افتخاری، ۱۳۸۵: ۲۸۹).

جایگاه امنیت در کتاب و سنت

در اندیشه اسلامی نیز به مفهوم امنیت توجه وافر شده است به گونه‌ای که در متون اسلامی اعم از قرآن کریم و روایات اسلامی بارها با این واژه برمی‌خوریم که حکایت از اهمیت این مسئله در اسلام دارد تا آنجا که به ویژگی امنیت به عنوان یکی از صفات شهر مکه قسم یاد می‌کند «وهذا البلد الامین» (تین / ۳) «لا اُقسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ وَ اَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ» (بلد/ ۱-۲) (به این شهر سوگند در حالی که تو در این شهر ساکن هستی) یا آیه ۱۱۲ سوره نحل که می‌فرماید: «و ضرب الله مثلا قریةً کانت آمنه مطمئنة یأتیها رزقها رغدا»؛ (و خدا بر شما حکایت کرد و مثل آورد (تا گوش کند و عبرت گیرید) مثل شهری را (چون شهر مکه) که در آن امنیت کامل حکمفرما بود و اهلس در آسایش و اطمینان زندگی می‌کردند و از هر جانب، روزی فراوان به آنها می‌رسید». همچنین خداوند سبحان تأمین امنیت را یکی از اهداف حکومت اسلامی و حکومت صالحان ذکر می‌کند:

«... وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (النور/۵۵).

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد همان‌گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده است، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت و ترسشان را به امنیت و آرامش تبدیل خواهد کرد، آنچنان که تنها مرا بپرستند و چیزی را شریک من قرار ندهند؛ و کسانی که پس از آن کافر شوند، فاسقانند.

در روایات امنیت، یکی از دو نعمتی ذکر شده است که انسان قدر آنها را نمی‌شناسد مگر آنکه آنها را از دست بدهد. امام صادق(ع) به نقل از پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: قَالَ الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «نِعْمَتَانِ مَكْفُورَتَانِ، الْأَمْنُ وَالْعَاقِبَةُ» (بحار الأنوار، ج ۷۸، ۱۷۰).

حضرت علی (ع) هدف حکومت را تأمین امنیت ذکر می‌کند که در سایه قدرت حکومت به دست می‌آید و باعث می‌شود هم مظلومان در امان باشند و هم نشانه‌های دین در جامعه آشکار شود.

«اللَّهُمَّ إِنِّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنِ الَّذِي كَانَ مِنَّا مُنَافَسَةً فِي سُلْطَانٍ، وَلَا التَّمَاسُ شَيْءٌ مِنْ فُضُولِ الْحُطَامِ، وَ لَكِنْ لِنُرْدَ الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ، وَ نَظْهَرَ الْأَصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ، فَيَأْمِنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ، وَ تَقَامَ الْمُعْظَلَةُ مِنْ حُدُودِكَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَوَّلُ مَنْ أَنْابَ، وَ سَمِعَ وَ أَجَابَ، لَمْ يَسْبِقْنِي إِلَّا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱: ۱۲۹).

«خدایا تو می‌دانی آنچه از کف ما رفت نه به خاطر رغبت در قدرت بود و نه از دنیای ناچیز، زیادت خواستن؛ بلکه می‌خواستیم نشانه‌های دین را به جایگاه اصلی‌اش برگردانیم و امور شهرهایت را اصلاح کنیم تا بندگان ستم‌دیده‌ات امنیت یابند و حدود ضایع مانده‌ات اجرا شود.»

همان‌گونه که از سخنان امیرمؤمنان علی(ع) مشاهده می‌شود، برداشت سنتی از مفهوم امنیت یعنی نبود تهدید و ظلم برای جامعه مسلمانان به ذهن می‌آید که همان دیدگاه سلبی از امنیت را از نگاه نظریه‌پردازان امنیت به یاد می‌آورد که در سایه قدرت سیاسی به عنوان یک امر ثانوی تأمین می‌شود.

از منظری دیگر، امنیت در سیره معصومان(ع) برای حفظ جامعه شیعیان در قالب

اصل «تقیه» ظاهر می‌شود که به عنوان یک راهبرد امنیتی ائمه و شیعیان از آن استفاده می‌کرده‌اند تا جامعه شیعی بی‌جهت دستخوش ناامنی نشود و جان و مال مؤمنان از خطر در امان بماند؛ کاری که علی ابن یقین به دستور امام موسی کاظم (ع) در دستگاه هارون عباسی کرد و مذهب خود را آشکار نکرد تا به دلیل نفوذی که در دستگاه حاکمه داشت فشار حاکمان ظالم عباسی را از سر شیعیان کم کند. اصل تقیه در دوره‌های بعد به عنوان یک اصل مهم مورد توجه فقها قرار گرفت و در متون فقهی نیز وارد شد و هدف اصلی آن نیز حفظ جامعه شیعی بود.

جایگاه امنیت در متون فقهی شیعه

در دیدگاه فقهای شیعه حاکم اسلامی وظیفه حفظ کیان مملکت اسلامی از سلطه بیگانه بر فرهنگ و سیاست و اقتصاد جامعه را دارد و باید حافظ استقلال کشور و نظم و امنیت در جامعه باشد تا بدین ترتیب زمینه لازم برای ترویج شریعت اسلامی فراهم شود. به همین جهت در متون فقهی شیعه نیز به این مسئله توجه ویژه شده است و فقها از عباراتی نظیر «حفظ بیضه اسلام» که از آن می‌توان حفظ وطن و شریعت اسلامی تعبیر کرد، استفاده می‌کنند و در ابواب مختلفی از کتب فقهی خود به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به مباحث امنیتی اشاره کرده‌اند. ابواب فقهی نظیر جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، قضاء، غصب، حدود و دیات، لقطه و قصاص، حاوی ملاحظات امنیتی زیادی است (رک: اسماعیلی، ۱۳۷۹: ۲۶۸).

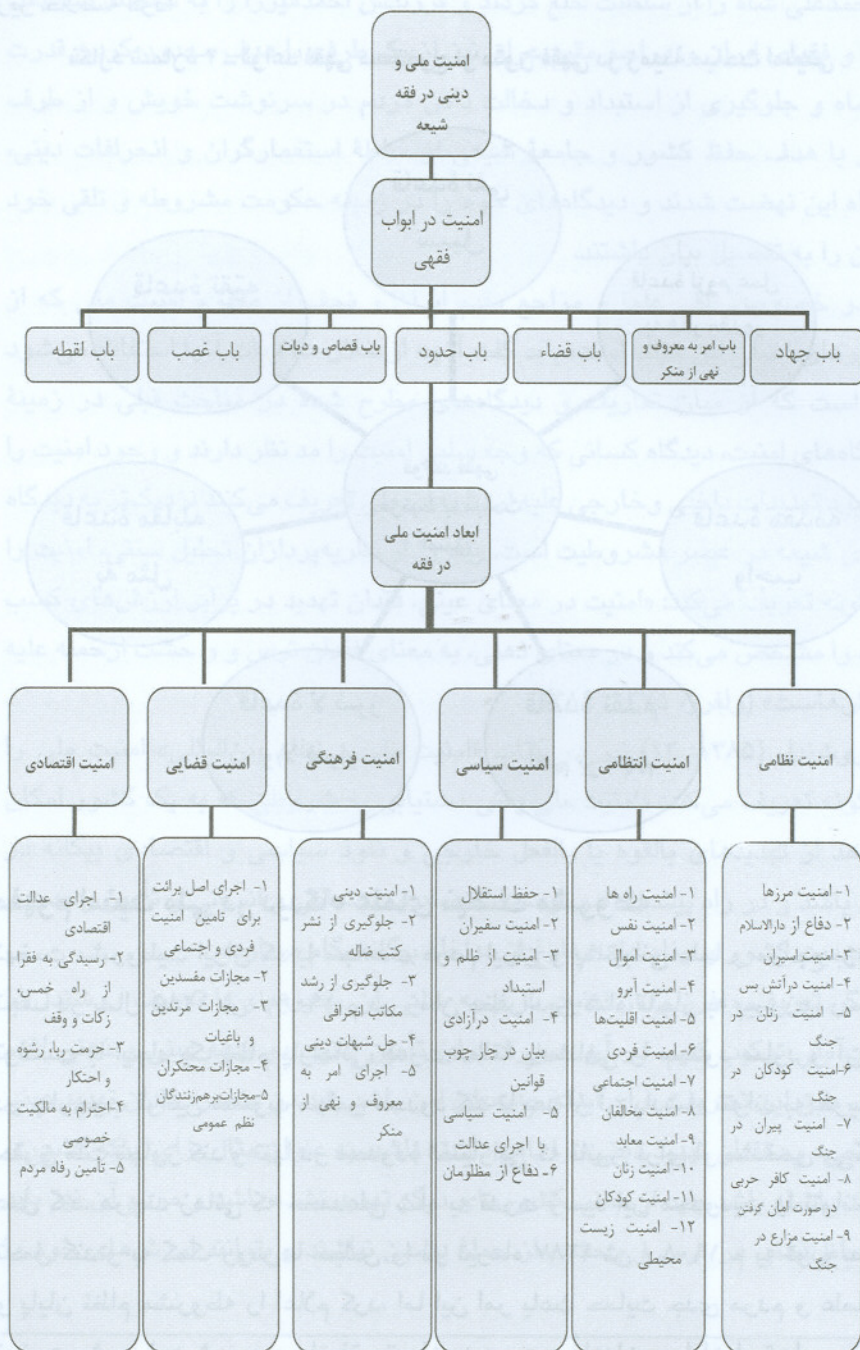
در این ابواب فقهی به ابعاد مختلف امنیت ملی توجه و برای آنها مصادیق متنوعی ذکر شده است که به خوبی نشان می‌دهند اسلام و مذهب تشیع تا چه میزان حتی به مسائل ریز امنیتی توجه داشته است؛ به مسائلی مانند حفظ امنیت کافر حربی که به جنگ با مسلمانان آمده است در صورت امان خواستن از مسلمانان یا توجه به امنیت مسائل زیست‌محیطی و قطع نکردن درختان در هنگام جنگ. فقیهان شیعی به این ظرائف دینی دقت بسیار دارند و از درون آنها قواعد فقهی مهمی استخراج کرده‌اند. آنها در خلال مباحث فقهی خود گاهی به صورت مستقیم و آشکار مانند باب جهاد و امر به معروف و گاهی به صورت غیرمستقیم و در حاشیه مباحث دیگر به طرح انواع مختلف امنیت پرداخته‌اند و راه‌های تحقق آنها را در جامعه نیز پیشنهاد داده‌اند.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت که فقها به امنیت ملی و حفظ جامعه شیعیان و استقلال آنان از اجانب و کافران از ابعاد و زوایای گوناگون سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی،

اجتماعی و قضایی نظر کرده و مصالح امنیتی را در مکتوبات فقهی خود آورده‌اند و با استناد به کتاب و سنت به اثبات ضرورت امنیت برای جامعه اسلامی پرداخته‌اند. برای نمونه، آنها امنیت نظامی برای کشور را با تعیین مصادیقی چون امنیت مرزها، وجوب دفاع از دارالاسلام، امنیت هنگام آتش بس و امنیت اسیران مطرح کرده‌اند. امنیت سیاسی برای کشور را با استفاده از قاعده نفی سبیل و در قرآن کریم در جلوگیری از سلطه بیگانه و امنیت سفیران را بر اساس سنت پیامبر اکرم(ص) در برخورد با سفیران مستند می‌کنند.

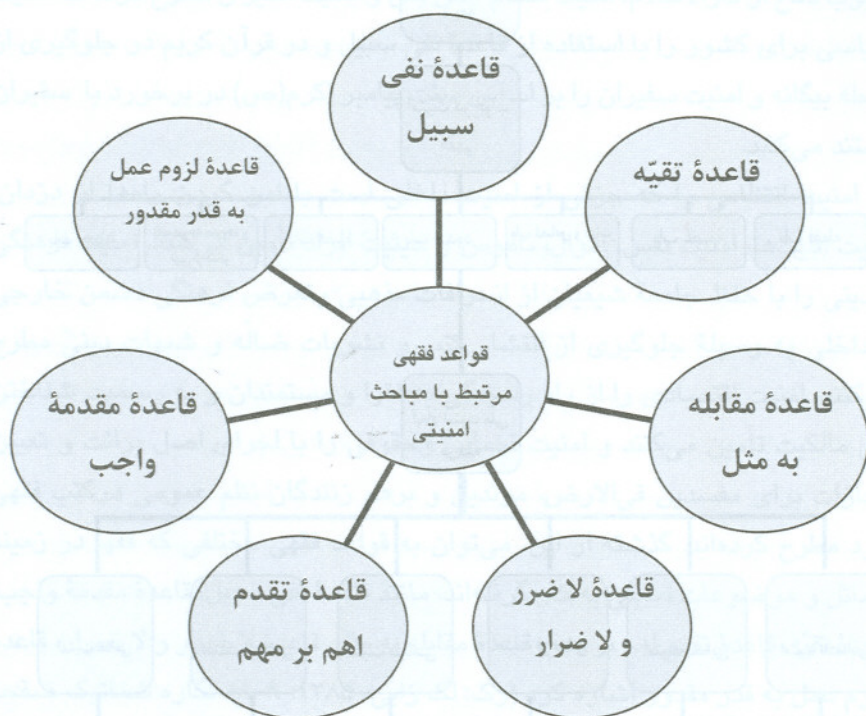
امنیت انتظامی را که جزئی از امنیت داخلی است با امن کردن راه‌ها از دزدان، امنیت اقلیت‌ها، امنیت نفس، اموال، ناموس و حیثیت افراد تأمین می‌کنند. امنیت فرهنگی و دینی را با حفظ جامعه شیعیان از انحرافات مذهبی و تعرض فرهنگی دشمن خارجی و داخلی به وسیله جلوگیری از انتشار کتب و نشریات ضالّه و شبهات دینی مطرح می‌کنند. امنیت اقتصادی را از راه رسیدگی به فقرا و مستمندان و به رسمیت شناختن حق مالکیت تأمین می‌کنند و امنیت قضایی و حقوقی را با اجرای اصل برائت و تعیین مجازات برای مفسدین فی الارض، مرتدین و برهم زندگان نظم عمومی در کتب فقهی خود مطرح کرده‌اند. گذشته از این، می‌توان به قواعد فقهی مختلفی که فقها در زمینه مسائل و موضوعات امنیتی به کار گرفته‌اند، مانند قاعده نفی سبیل، قاعده مقدمه واجب، قاعده تقیه، قاعده تقدم اهم بر مهم، قاعده مقابله به مثل، قاعده لا ضرر و لا ضرار، قاعده لزوم عمل به قدر مقدور اشاره کرد (رک: لک زایی، ۱۳۸۵: ۹-۸). نگاره شماتیک صفحه بعد، رویکرد فقهای شیعه به مسائل امنیتی را نشان می‌دهد.

مدل شماتیک زیر، رویکرد فقهای شیعه به مسائل امنیتی را نشان می‌دهد.



قواعد فقهی مستخرج از متون فقهی در زمینه مباحث امنیتی را می‌توان در نگاره زیر خلاصه کرد:

نگاره شماره ۲ - قواعد فقهی مستخرج از متون فقهی در زمینه مباحث امنیتی



مفهوم امنیت ملی در دیدگاه علمای نهضت مشروطه

نهضت مشروطیت ایران که با مجاهدت مردم ایران و پشتیبانی علما و مراجع بزرگ نجف در سال ۱۲۸۵ ش / ۱۹۰۶ م در زمان مظفرالدین شاه قاجار به پیروزی رسید، توانست با ایجاد یک نظام پارلمانی، قدرت مطلقه پادشاهی را محدود سازد و آن را در چارچوب قوانین مصوب مجلس محدود کند تا بعد از آن پادشاه نتواند به حریم و حقوق ملت تجاوز کند و تنها در محدوده اختیاراتی که قانون برای او مشخص می‌کرد عمل کند. هرچند زمانی که محمدعلی شاه به قدرت رسید این محدودیت را نتوانست تحمل کند و به کمک روس‌ها مجلس را در تیرماه ۱۲۸۷ ش / ۱۹۰۸ م به توپ بست و پایان نظام مشروطه را اعلام کرد، اما این امر باعث حمایت جدی مردم و علما از نهضت مشروطیت شد و پس از فتح تهران به دست مجاهدان و پایان استبداد صغیر،

بار دیگر در سال ۱۲۸۸ ش / ۱۹۰۹ م نظام مشروطه و مجلس شورای ملی برقرار شد و محمدعلی شاه را از سلطنت خلع کردند و فرزندش احمد میرزا را به سلطنت نشانند. علما و فقهای ایران و مراجع مقیم عراق نیز از یک طرف با هدف محدود کردن قدرت پادشاه و جلوگیری از استبداد و دخالت دادن مردم در سرنوشت خویش و از طرف دیگر با هدف حفظ کشور و جامعه شیعی از سلطه استعمارگران و انحرافات دینی، همراه این نهضت شدند و دیدگاه‌های خود را در زمینه حکومت مشروطه و تلقی خود از آن را به تفصیل بیان داشتند.

در خصوص تلقی علما و مراجع مقیم ایران و نجف از مفهوم امنیت ملی که از محورهای اصلی این مقاله است، باید گفت آنچه از خلال مکتوبات آنها استفاده می‌شود این است که از میان تعاریف و دیدگاه‌های مطرح شده در مباحث قبلی در زمینه دیدگاه‌های امنیت، دیدگاه کسانی که وجه سلبی امنیت را مد نظر دارند و وجود امنیت را در نبود تهدیدات داخلی و خارجی علیه ارزش‌های ملی تعریف می‌کنند نزدیک‌تر به دیدگاه علمای شیعه در عصر مشروطیت است. ولفرز از نظریه‌پردازان تحلیل سنتی، امنیت را این‌گونه تعریف می‌کند: «امنیت در معنای عینی، فقدان تهدید در برابر ارزش‌های کسب شده را مشخص می‌کند و در معنای ذهنی، به معنای فقدان ترس و وحشت از حمله علیه ارزش‌هاست» (ولفرز، ۱۳۷۵: ۳۱۹).

روشندل (۱۳۸۵: ۱۳) نیز در کتاب «امنیت ملی و نظام بین‌المللی» امنیت ملی را این‌گونه تعریف می‌کند: «امنیت ملی یعنی دستیابی به شرایطی که به یک کشور امکان می‌دهد از تهدیدهای بالقوه یا بالفعل خارجی و نفوذ سیاسی و اقتصادی بیگانه در امان باشد و در راه پیشبرد امر توسعه اقتصادی، اجتماعی و انسانی و تأمین وحدت و موجودیت کشور و رفاه عامه، فارغ از مداخله بیگانه، گام بردارد».

اگر تعریف ولفرز را از امنیت در وجه سلبی آن بپذیریم و با تعریف روشندل از امنیت ملی ترکیب کنیم، در آن صورت برای تأمین امنیت دو وجه عینی و ذهنی لازم است. طبق این تعاریف، برای اینکه جامعه‌ای امن باشد باید دو عنصر «فقدان تهدید عینی خارجی» و «فقدان تهدید ذهنی» را باهم داشته باشد. به عنوان مثال برای اینکه کشوری امنیت داشته باشد باید از جانب کشورهای دیگر تهدید نشده باشد و مردم آن نیز باید از لحاظ ذهنی در ترس و وحشت از حمله دشمن نباشند و بتوانند ارزش‌های خود را

که شامل ارزش‌های ملی، دینی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است حفظ کنند. فقهای شیعه در نهضت مشروطه‌خواهی ایران با همین رویکرد همراه مشروطه شدند. آنها به دنبال دفاع از تمامیت ارضی کشور و جلوگیری از سلطه استعمارگران بر سرزمین اسلامی بودند که در آن روزگار همه سرزمین‌های اسلامی را تهدید می‌کرد. کشورهای استعمارگر غربی دین و ایمان مردم را از لحاظ فرهنگی نشانه رفته بودند و منابع و ثروت‌های آنها را نیز از لحاظ اقتصادی و مادی به یغما می‌بردند. در چنین شرایطی بود که فقهای شیعه از جانب میهن اسلامی احساس خطر کردند و با فتاوی خود در مقابل حمله‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دشمن غربی ایستادند، همان کاری که فقهای همچون سید محمد مجاهد و کاشف الغطاء در مقابل روس‌ها انجام دادند و فتوای جهاد صادر کردند (ر.ک: کاشف الغطاء، بی‌تا: ۳۹۴). یا میرزای شیرازی در مقابل حمله اقتصادی انگلیسی‌ها فتوای تحریم تنباکو را صادر کرد (اصفهانی کربلایی، ۱۳۸۲: ۱۳۹).

بنابراین، فقها در آن زمان در تلاش برای رفع تهدید خارجی و ایجاد امنیت ملی همراه پادشاه مسلمان می‌شدند و فتوای جهاد صادر می‌کردند (کاشف الغطاء) یا به قصد اصلاح حکومت، پادشاه را متنبه می‌ساختند (میرزای شیرازی) و با این دستورها مردم را برای حفظ کیان اسلامی بسیج کردند.

در نهضت مشروطه فقها متوجه شدند که یکی از مهم‌ترین عوامل ناامنی خود حکومت پادشاهی است که با نمایش بی‌لیاقتی در اداره حکومت و ظلم به مردم، اصلی‌ترین مظهر ناامنی در جامعه شده است، لذا راه حل رفع تهدید خارجی را در رفع تهدید داخلی یافتند و به فکر چاره افتادند و به همین سبب همراه مردم مقابل نظام استبدادی قرار گرفتند. بنابراین راهبرد امنیتی فقها رفع تهدید خارجی (که دین و استقلال کشور را هدف قرار داده بود) با رفع تهدید داخلی بود. به همین دلیل مکتوبات سیاسی فقها در نهضت مشروطه که بیشترین حجم را از لحاظ تعداد تا آن زمان به خود اختصاص می‌داد به همین مباحث معطوف شده بود؛ زیرا همان‌گونه که پیشتر آمد از نگاه فقها دستگاه حکومت باید بتواند کارویژه حفظ جامعه مسلمانان از دست دشمنان خارجی و داخلی را به خوبی انجام دهد و از نظر آنان در اواخر حکومت قاجاریه و در آستانه انقلاب مشروطیت حکومت نمی‌توانست این کارویژه را به خوبی انجام دهد و جامعه شیعی در معرض تهدید قرار گرفته بود.

این ناتوانی به دلیل آن بود که در اواخر سده سیزده قمری و در دوران سلطنت

ناصرالدین شاه قاجار، ظلم بر شیعیان ایرانی از سوی حکام ولایات شدت گرفته بود، سفرهای پر هزینه ناصرالدین شاه و مظفردالدین شاه قرض‌های زیادی برای مملکت به بار آورده بود، ورود کالاهای خارجی کالاهای تولید داخل را از رونق انداخته بود، امتیازهای اقتصادی به خارجیان سلطه خارجی را بر اقتصاد ایران تحمیل کرده بود و بحرانی را در روابط مردم و حکومت پدید آورده بود. بحران تنباکو نمونه‌ای است از ناتوانی نظام پادشاهی در تأمین امنیت ملی از سلطه بیگانه و بحران بست نشینی علما در مهاجرت صغری و کبری به حرم عبدالعظیم و قم نمونه‌های دیگری از نقص کارکردی سامانه پادشاهی است که نمی‌توانست در انجام وظایف خویش در تأمین امنیت داخلی و اجرای عدالت در جامعه عمل کند.

شاید بتوان گفت که در باب امنیت ملی و دینی دو مسئله به صورت جدی در بین علمای شیعه در عصر مشروطیت وجود داشت که باعث می‌شد آنها را به شکلی تأثیرگذار وارد حوزه سیاست کند؛ یکی حفظ دین و جامعه متدینین از خطر مکاتب و مذاهب انحرافی داخلی مانند بهائیت و فرهنگ‌ها و مذاهب و آموزه‌های مادی خارجی غربی که اعتقادات دینی مردم را نشانه رفته بودند که می‌توان به آن «امنیت اعتقادی» نام داد و دیگری حفظ امنیت و نظم در جامعه با جلوگیری از ظلم پادشاهان و حکام ولایات به مردم و جلوگیری از سلطه کفار بر کشورهای اسلامی که می‌توان بر آن «امنیت اجتماعی» نام نهاد. در واقع، روحانیت شیعه «حفظ امنیت نظری و اجتماعی شیعیان» را به عنوان دو وظیفه سنگین خود در توجیه ورود به عرصه سیاست عنوان می‌کرد. با این زمینه به سراغ مشاهیر فقها در نهضت مشروطیت می‌رویم تا دیدگاه آنان را در خصوص امنیت ملی جويا شویم.

الف - مراجع نجف و امنیت ملی

دقت در نامه‌ها و مکتوبات مراجع نجف که در عصر مشروطه در عراق بودند و از دسترسی حکومت ایران و اذیت و آزار آن در امان بودند، نشان می‌دهد که دغدغه آنها در ورود به عرصه سیاست دغدغه دینی و ملی بوده است و به جهت صیانت از حقوق شیعیان و حفظ استقلال ایران از سلطه کفار و اجانب به نصیحت پادشاهان پرداخته‌اند یا حکم سیاسی داده‌اند. به سند زیر که نامه‌ای از میرزای شیرازی به ناصرالدین شاه قاجار است و به خوبی نگرانی این مرجع بزرگ شیعی را از وضعیت اسفناک آن زمان در تهدید امنیت ملی و سلطه اجانب بر سرزمین اسلامی نمایان می‌سازد دقت کنیم:

«اگرچه دعاگو تاکنون به محضر دعاگویی اکتفا کرده تصدی استدعایی از حضور انور نکرده، ولی نظر به توصل اخبار به وقوع وقایعی چند از عرض مفاسد آنها خلاف رعایت حقوق دین و دولت است، عرضه می‌دارد که اجازه مداخله اتباع خارجه در امور داخله مملکت و مخالطه و تودد آنها با مسلمین و اجرای عمل بانک و تنباکو و توتون و راه آهن و غیرها، از جهاتی چند منافی صریح قرآن مجید و نوامیس الهیه و موهن استقلال دولت و مخل نظام مملکت و موجب پریشانی عموم رعیت است...» (اصفهانی کربلایی، ۱۳۸۲: ۱۰۲).

در این عبارات مشاهده می‌شود که چگونه میرزای شیرازی نگران استقلال کشور و امنیت سیاسی و اقتصادی کشور از سلطه کفار است و به خوبی امنیت ملی را در حفظ امنیت دینی، امنیت اقتصادی و امنیت اجتماعی خلاصه می‌کند و درست به همین جهت است که فتوای معروف خویش را در تحریم تنباکو برای قطع سلطه اجانب صادر می‌کند. در ادامه این حرکت، مراجع و علمای نجف در نهضت مشروطه نیز همین روند را در مقابله با استعمارگران خارجی و مستبدان داخلی پیش گرفتند که حکایت از تیزبینی و دقت آنها در زمینه حفظ امنیت ملی دارد. در اینجا به بررسی نظرات آنها از خلال فتاوی و کتب آنها می‌پردازیم.

۱- مراجع ثلاث و فتاوی دینی

مراجع ثلاث آخوند خراسانی، میرزا عبدالله مازندرانی و میرزا خلیل تهرانی نیز در تأیید نهضت مشروطه، تقویت اسلام و حفظ دماء مسلمین و جامعه شیعیان را مد نظر داشتند. آنها در فتاوی تاریخی خود در تأیید نظام مشروطه نوشتند: «الیوم... بذل و جهد در استحکام و استقرار مشروطیت به منزله جهاد در رکاب امام زمان ارواحنا فداه و سر مویی مخالفت و مسامحه، به منزله خذلان و محاربه با آن حضرت است» (کسروی، ۱۳۶۳: ۷۳).

یا در جای دیگر در تأیید مجلس مشروطه چنین فتوا می‌دهند: «مجلسی که تأسیس آن برای رفع ظلم و اغاثه مظلوم و اعانت ملهوف و امر به معروف و نهی از منکر و تقویت ملت و دولت و ترقیه حال رعیت و حفظ بیضه اسلام است، قطعاً عقلاً و شرعاً و عرفاً راجح بلکه ارجح است و مخالف و معاند او مخالف شرع انور و مجادل با صاحب شریعت است...» (کسروی، ۱۳۶۳: ۳۸۲).

مشاهده می‌شود که در این فتواها حفظ امنیت کشور و رفع ظلم از سر مردم و

ارتقای سطح دولت و ملت که از مهم‌ترین مباحث سلبی و ایجابی امنیت ملی به شمار می‌رود چگونه مورد توجه این مراجع بزرگ بوده است.

آخوند خراسانی در سندی دیگر که نائینی از او نقل می‌کند، تهدید دشمن خارجی را که دین و دنیای مسلمانان را هدف قرار داده به خوبی احساس کرده است و از علمای اسلام می‌خواهد که با هوشیاری و عمل به احکام اسلامی جلو سلطه کفار بر سرزمین‌های اسلامی را بگیرند: «این سیل عظیم بنای تمدن بشری که از بلاد غرب به سمت ممالک اسلامی سرزیر است، اگر ماها رؤسای اسلام جلوگیری نکنیم و تمدن اسلام را کاملاً به موقع اجرا نگذاریم، اساس مسلمانی تدریجاً از آثار آن سیل عظیم محو و نابود خواهد شد» (نائینی، ۱۳۶۱: ۸۳).

بنابراین از جملات و فتاوی‌ای بالا چنین استنباط می‌شود که مراجع نجف دفاع از مشروطه را در حد یک واجب شرعی و براساس اصل امر به معروف و نهی از منکر و حفظ بیضه اسلام می‌دانستند و با هدف حفظ استقلال مملکت اسلامی و حفظ جامعه شیعیان، پشتیبانی از آن را تکلیف می‌کردند. نظام مشروطه و مجلس و قانون برخاسته از آن به جهت آنکه قصد داشت بر ظلم و استبداد نظام قاجاری مهار بزند و امنیت را برای مسلمانان به ارمغان بیاورد شایسته دفاع بود، وگرنه اگر قرار بود که هرج و مرج و آشوب سوغات مشروطیت باشد هیچ یک از علما از آن دفاع نمی‌کردند.

ب - آیت الله نائینی و رویکرد فقهی به امنیت ملی

آیت الله نائینی از مشاهیر نهضت مشروطه است که در کنار مراجع ثلاث، آخوند خراسانی، مازندرانی و تهرانی به مبارزه علیه استبداد قاجاریه پرداخت. او در تبیین نهضت مشروطه کتابی با عنوان «تنبيه الأمة و تنزيه الملة»^۲ نوشت که به جرأت می‌توان گفت یک تبیین فقهی شیعی از حکومت اسلامی شمرده می‌شود، اگر چه در قالب نظام مشروطه بیان شده است و می‌تواند مقدمه‌ای برای تشکیل حکومت اسلامی فرض شود. در واقع، نائینی اگر چه صورت ظاهر مشروطه را در نظر داشت اما محتوای مشروطه‌ای که او ترسیم می‌کند کاملاً اسلامی است و بامشروطه غربی تفاوت بسیار دارد، زیرا مشروطه غربی مبتنی بر اومانیسم و انسان محوری غربی است در حالی که مشروطه نائینی مبتنی بر خدا محوری اسلامی است که به وسیله او کاملاً بومی شده است. کتاب «تنبيه الامه» نائینی را از لحاظ تبیین دینی حکومت، می‌توان مقدمه‌ای بر تشکیل حکومت اسلامی در انقلاب اسلامی ایران دانست. او از یک سری اصول و

قواعد فقهی در تأیید نظام مشروطه برای حفظ کیان اسلامی و تأمین امنیت ملی استفاده می‌کند که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

۱/۱- قاعدهٔ امور حسبیه

نائینی حفظ «امنیت ملی» را در وهلهٔ اول وظیفهٔ حکومت و در مرحلهٔ دوم وظیفهٔ آحاد ملت می‌داند و از لحاظ فقهی آن را در ذیل مباحث «امور حسبیه»^۲ که از شئون حکومت است مطرح می‌کند که خود جزئی از یک تکلیف بزرگ‌تر برای همهٔ مسلمین به نام «حفظ بیضهٔ اسلام» است و منظور از آن حفظ جامعهٔ مسلمین و شریعت اسلامی است. همهٔ اینها مقدمه‌ای است برای تشکیل حکومت حقهٔ الهی به دست امام معصوم (ع) که از جانب خداوند و به نصب او وظیفهٔ تشکیل حکومت اسلامی را دارد. او معتقد است که حکومت هر جامعه باید متناسب با آیین و رسوم و مذهب آن جامعه باشد تا بتواند دوام داشته باشد، در غیر این صورت خیلی زود نابود خواهد شد. از این رو جامعهٔ اسلامی باید حاکم اسلامی داشته باشد تا بتواند مطابق با فرهنگ جامعه رفتار کند و موجبات بقای خود را فراهم آورد و حاکم حقیقی از نظر فقهای شیعه کسی جز معصوم نیست. به عبارت نائینی در این باره توجه کنیم: «بالضرورة معلوم است که حفظ شرف و استقلال و قومیت هر قومی هم چه آنکه راجع به امتیازات دینیه باشد یا وطنیه، منوط به قیام امارتشان است به نوع خودشان و الا جهات امتیازیه و ناموس اعظم دین و مذهب و شرف و استقلال وطن و قومیتشان به کلی نیست و نابود خواهد بود، هر چند به اعلیٰ مدارج ثروت و مکنّت و آبادانی و ترقی نائل شوند. از این جهت است که در شریعت مطهره، حفظ بیضهٔ اسلام را اهم جمیع تکالیف و سلطنت اسلامی را از وظائف و شئون امامت مقرر فرموده‌اند» (نائینی، ۱۳۶۱: ۷-۶).

نائینی در موضوع «امنیت ملی» دو کارویژهٔ مهم برای حکومت در نظر می‌گیرد: یکی حفظ نظم داخلی در کشور از طریق اجرای عدالت در جامعه و پرهیز از ستمکاری و جلوگیری از ظلم و تعدی افراد به هم و دیگری حفظ استقلال کشور و جلوگیری از مداخلهٔ بیگانگان و سلطهٔ دشمنان بر امور کشور از طریق تهیهٔ جنگ‌افزارهای لازم برای دفع تهدید دشمنان (نائینی، ۱۳۶۱: ۷). سپس در بیان شرعی این دو وظیفه می‌نویسد:

«این معنا را در لسان [زبان] متشرعان، حفظ بیضهٔ اسلام و سایر ملل حفظ وطنش خوانند و احکامی که در شریعت مطهره برای اقامهٔ این دو وظیفه مقرر است احکام سیاسی و تمدنیه و جزء دوم از حکمت عملیه^۳ دانند» (نائینی، ۱۳۶۱: ۷).

بنابراین، حفظ امنیت داخلی و خارجی از لحاظ فقهی از امور حسبیه به شمار می‌رود که از وظائف حکومت و مربوط به امور عمومی است و به اعتقاد نائینی، نیابت عامه فقها در آن از قطعیات مذهب شیعه است. همین دلیل کافی است که برای اجرای این امور و حفظ نظم و امنیت به تشکیل حکومت اسلامی اقدام کرد. او می‌نویسد: «از جمله قطعیات مذهب ما امامیه این است که در این عصر غیبت (علی مغیبه السلام) آنچه از ولایات نوعیه را که عدم رضای شارع مقدس به اهمال آن حتی (در این زمینه) معلوم باشد، وظایف حسبیه نامیده و نیابت فقهای عصر غیبت را در آن متیقن و ثابت دانستیم، حتی با عدم ثبوت نیابت عامه در جمیع مناصب؛ و چون عدم رضای شارع مقدس به اختلال نظام و ذهاب بیضه اسلام بلکه اهمیت وظایف راجعه به حفظ و نظم ممالک اسلامی از تمام امور حسبیه از اوضاع قطعیات است، لهذا ثبوت نیابت فقها و نواب عام عصر غیبت در اقامه وظایف مذکور، قطعیات مذهب خواهد بود» (نائینی، ۱۳۶۱: ۴۶).

آیت‌الله عمید زنجانی، یکی از فقهای معاصر در تأیید نظر نائینی مبنی بر ولایت فقها در امور حسبیه به کتب فقهی استناد می‌کند و آن را دلیلی بر لزوم تشکیل حکومت اسلامی می‌داند: «مطالعه بحث مربوط به امور حسبیه در کتاب‌های فقهی نشان می‌دهد که فقها تصدی حسبه را نوعی ولایت تلقی کرده و آن را ضروری‌ترین وظایف و اختیارات فقیه دانسته و شامل آن دسته از امور عام‌المنفعه شمرده‌اند که جامعه از آن هرگز نمی‌تواند بی‌نیاز باشد، مانند تصرفات ضروری در اموال صغار، تعیین قیم بر آنها، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، قضاوت، اجرای حدود و قصاص... تئوری امور حسبیه یکی از دلایل وجوب اقامه حکومت اسلامی است؛ زیرا حفظ مرزهای کشور و مبانی مذهب و پاسداری از حریم قوانین الهی و جلوگیری از انحراف جوان‌ها، و رد شبهات و دفاع در برابر تهاجم فرهنگی و سیاسی و نظامی دشمنان و خنثی کردن توطئه‌ها و تبلیغات زهرآگین ضد اسلامی، که از واضح‌ترین مصادیق امور حسبیه است، بدون استقرار یک نظام سیاسی مبتنی بر اصول و مبانی و قوانین اسلامی، امکان‌پذیر نیست» (عمیدزنجانی، ۱۳۷۶: ۱۹-۱۷).

حضرت امام خمینی (ره) که از مراجع و فقهای بزرگ شیعی معاصر و خود، معمار تشکیل حکومت اسلامی در زمان غیبت امام معصوم (ع) است به شکل کامل تری این مسئله را مطرح می‌کند: «برکسی پوشیده نیست که اموری نظیر حفظ نظام اسلامی، پاسداری از مرزهای میهن اسلامی، حفظ جوانان مسلمان از گمراهی و انحراف و جلوگیری از تبلیغات ضد اسلامی از روشن‌ترین مصادیق امور حسبیه به شمار می‌روند

و از طرفی، تنها تشکیل یک حکومت عادلانه اسلامی می‌تواند ما را به این اهداف مقدس نایل سازد» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۸۰).

در هر حال، نائینی در حوزه امور عمومی و سیاسی و از آن جمله امنیت، اولویت قطعی برای فقیه بر غیرفقیه قائل است و چه از باب نظر او یعنی «قدر متیقن در جواز تصرف فقیه» چه از باب «ولایت فقیه» بدانیم، او این مسئله را از قطعیات مذهب امامیه می‌داند. با توجه به وسعت امور حسبیه در نظر نائینی که به مسائل حکومتی نیز مربوط می‌شود به لحاظ سیاسی، فرقی بین اینکه وی را قائل به ولایت عامه فقیه یا ولایت در امور حسبیه بدانیم، به نظر نمی‌رسد. بنابراین با استفاده از این اصل شیعی که ولایت فقها به نیابت عام از جانب امام عصر (عج) در امور حسبیه قطعی است و از سوی دیگر حفظ نظم و امنیت در کشورهای اسلامی و به تعبیر او حفظ بیضه اسلام از بارزترین مصادیق امور حسبیه به‌شمار می‌رود، بر فقها واجب است در اقامه وظائف مذکور و محدود کردن استبداد و ایجاد مشروطیت کوشش کنند.

۱/۲- امنیت ملی و اصل حفظ بیضه اسلام

یکی دیگر از اصول فقهی که نائینی را وادار می‌کند تا در حمایت از مشروطه به جهت مصالح ملی و حفظ جامعه مسلمین از ظلم حاکمان و سلطه استعمارگران گام بردارد، یک مصلحت دینی و ملی به نام حفظ بیضه اسلام است که همه فقهای شیعه در طول تاریخ شیعه به آن ملتزم بوده‌اند. نائینی اگر چه معتقد است که حکومت مشروطه مانند حکومت معصوم حکومت کامل اسلامی نیست، اما از باب رفع ظلم از سر جامعه مسلمین و دفع افسد به فاسد، می‌توان امنیت دین و مردم را در این نظام تضمین کرد و به همین دلیل، او حفظ جامعه مسلمین را از اهم واجبات ذکر می‌کند و می‌نویسد: «پرداختن همسایگان ایران [روس و انگلیس] به نقشه قسمت [ایران] فیما بین خودشان و کثرت مشاهده نظایر و اشباه آن، فلا اقل من لزوم التحذر. علی هذا بدیهی است که تحول سلطنت جائره غاصبه از نحوه ظالمه اولی به نحوه ثانیه [مشروطیت] علاوه بر تمام مذکورات موجب حفظ بیضه اسلام و صیانت حوزه مسلمین است از استیلای کفار، از این جهت از اهم فرائض خواهد بود» (نائینی، ۱۳۶۱: ۵۰).

۱/۳- اصل امر به معروف و نهی از منکر

بر طبق اصل امر به معروف و نهی از منکر، اگر کسی منکرات بسیاری انجام دهد

مبارزه با هر یک از آنها تکلیفی است مستقل و اگر نمی‌توان او را از انجام همه منکرات بازداشت باید تلاش کرد حتی المقدور از انجام برخی از آنها جلوگیری کرد. حکومت استبدادی چون مرتکب منکرات عدیده‌ای چون ظلم، ناامنی، مالکیت بر اموال و جان‌های مردم و به بردگی کشاندن آنها شده است و ما نمی‌توانیم آن را از ارتکاب به همه این جرائم بازداریم، باید در حدی که می‌توانیم، مثل محدود کردن آن به مجلس و قانون اساسی، این تکلیف را انجام دهیم. او می‌نویسد: «در باب امر به معروف و نهی از منکر، بالضرورة من الدین، معلوم است که چنانچه شخص واحد فرضاً در آن واحد منکرات عدیده را مرتکب شود ردعش از هر یک از آنها تکلیفی است مستقل و غیر مرتبط به تمکن از ردع و منع از سایر آنچه که مرتکب است» (نائینی، ۱۳۶۱: ۴۶).

۱/۴- وجوب تحدید غاصب عدوانی از موقوفه مغضوبه

یکی از وظائف فقها رفع تصرفات عدوانی از موقوفات عامه و خاصه است. یعنی اگر یک مال وقفی مورد غصب شخص حقیقی یا حقوقی قرار گرفت، ولی فقیه وظیفه دارد آن را آزاد کند و اگر نتوانست به صورت کامل آن را آزاد کند، لاقلاً باید در حدی که می‌تواند تصرف غاصب را محدود کند. در باب حکومت نیز چنین است. به اعتقاد شیعه، حکومت غیرمعصوم در زمان غیبت که به اذن ولی فقیه نباشد غاصبه است «دانستی که حقیقت استبداد دولت غاصبه عبارت است از اغتصاب آن و مشروطگی آن هم عبارت از انتزاعش از غاصبین» (نائینی، ۱۳۶۱: ۶۲) و ولی فقیه باید در جهت رفع این ظلم اقدام کند و اگر نتوانست باید حداقل بتواند آن را محدود سازد. لذا حکومت مشروطه چون با ایجاد مجلس و هیئت نظار محدودیتی برای نظام استبدادی ایجاد می‌کند و باعث امنیت برای مردم می‌شود، پس ایجاد آن بر مردم و فقیه واجب است. به عبارات نائینی در این باره توجه کنیم: «در ابواب ولایات بر امثال اوقاف عامه و خاصه و غیرها از آنچه راجع به باب ولایات است، این معنا نزد تمام علمای اسلام مسلم و از قطعیات است که چنانچه غاصبی عدواناً وضع ید نماید و رفع یدش رأساً ممکن نباشد، لکن با ترتیبات عملیه و گماشتن هیئت نظاری، می‌توان تصرفش را تحدید و موقوفه مغضوبه را مثلاً از حیف و میل و صرف در شهواتش کلاً ام بعضاً صیانت کرد؛ البته وجود آن بدیهی و خلاف در آن نه تنها از علمای متشرعان بلکه از عقلای دهرین هم هیچ متصور و محتمل نخواهد بود» (نائینی، ۱۳۶۱: ۴۷-۴۶).

۱/۵- قاعدهٔ مقدمهٔ واجب

قاعدهٔ فقهی «مقدمهٔ واجب» از دیگر قواعد فقهی است که نائینی در اثبات ضرورت ایجاد نظام مشروطه برای رهایی از ظلم استبداد و داشتن جامعه‌ای امن مطرح می‌کند. طبق این قاعدهٔ فقهی هرگاه یک امری واجب باشد مقدمهٔ آن هم به ضرورت واجب می‌شود. برای مثال، اگر نماز واجب باشد مقدمهٔ آن هم که وضو باشد واجب می‌شود یا اگر جهاد واجب باشد مقدمهٔ آن هم که تهیهٔ جنگ‌افزار نظامی و تعلیمات نظامی است واجب می‌شود. در این مورد که «حفظ بیضهٔ اسلام» و امنیت جامعهٔ اسلامی و مسلمانان و «نهی از منکر ظالم» و «وجوب تحدید سلطنت غاصبه» واجب است، مقدمهٔ آن نیز که «ایجاد نظام مشروطه» و «تعیین هیئت نظار» یا همان مجلس و «تدوین قانون اساسی» است واجب است. البته او دلیل دوم فقهی نیز در این باره ذکر می‌کند مبنی بر اینکه در بسیاری موارد امری که ذاتاً غیر واجب‌اند می‌توانند به وسیلهٔ قسم و نذر واجب شوند. پس قانون اساسی، تهیهٔ جنگ‌افزار برای امنیت حکومت و مانند آن که مربوط به امور غیر واجب شرعی است می‌توانند با قسم و نذر واجب شوند. بنابراین امکان تبدیل امور غیر واجب به واجب از نظر شریعت وجود دارد. به عبارات نائینی در این باره توجه کنیم: «همچنان‌که امور غیر واجبه بالذات به تعلق نذر و عهد و یمین و امر لازم الاطاعه و اشتراط در ضمن عقد لازم العمل و نحو ذلک، واجب و لازم العمل می‌شود، همین طور اگر اقامهٔ واجبی هم بر آن متوقف شود لامحاله عقلاً لازم العمل و بالعرض واجب خواهد بود، هرچند اتصاف مقدمهٔ واجب را به وجوب شرعی استقلالی هم قائل نباشیم، چه بالضروره توقف واجب بر آن عقلاً موجب لزوم اتیان است و این مقدار از لزوم مقدمه فیما بین تمام علمای اسلام اتفافی و از ضروریات است. چون این دو مطلب مبین شد، وجوب اصل ترتب دستور اساسی به‌طوری که به همان کیفیت سابقه، تحدید استیلائی جوری را بر وفق مقتضیات مذهب کاملاً متکفل و متضمن باشد، نظر به توقف حفظ نظام و صیانت اساس، محدودیت و مسئولیت سلطنت غاصبه بر آن از بدیهیات است» (نائینی، ۱۳۶۱: ۷۴-۷۵).

ج - امنیت ملی و علمای ایران

علما و فقهای شیعه در ایران نیز مانند علما و مراجع نجف، همراهی خود در نهضت مشروطه را با دغدغه‌های دینی و ملی در خصوص لزوم حفظ استقلال کشور و جامعهٔ شیعی در ایران عجین کردند و تقریباً مشابه استدلال‌های فقهی و سیاسی علمای نجف در زمینهٔ امنیت ملی سخن گفتند و در مکتوبات خویش منعکس کردند که در ادامه از

باب نمونه به برخی از آنها اشاره خواهیم کرد.

۱- آیت الله شیخ اسماعیل محلاتی و امنیت ملی

شیخ اسماعیل محلاتی از علمای عصر مشروطه و هواخواه تشکیل نظام مشروطه بود. او در رساله‌ای با عنوان «لایحه وجوب مشروطه» تقریباً از همان استدلال‌های فقهی نائینی در لزوم ایجاد مشروطه صحبت می‌کند و به اصل‌های امر به معروف و نهی از منکر و حفظ بیضه اسلام اشاره می‌کند: «این مطلب در شریعت مطهره اسلام در تحت دو عنوان داخل است: یکی تقلیل جور و تحدید ظلمی که از دولت جائره خودسر بر مردم وارد شود، که از مصادیق واضحه امر به معروف و نهی از منکر است و وجوب آن با شرایط مقرر از ضروریات مذهب اسلامی است. دوم حفظ بیضه اسلام از تهاجم کفار؛ و این مطلب در وقتی صورت پذیر گردد که هرج و مرج دولت به حدی برسد که مصالح ملکیه بالکل مختل شود و قوه استمساکیه برای دولت در مقابل اعادی دین باقی نماند. در این صورت، تقیید به قیود مذکوره که موجب انتظام مملکت و حصول (قوه تماسک) برای دولت در مقابل اعادی اسلام بوده باشد، واجب و مورث بقای دولت اسلامی و باعث حفظ بیضه اسلام است [و] خواهد بود» (آبادیان، ۱۳۷۴: ۱۹۷).

محلاتی در جای دیگر در این مکتوب سیاسی، مسلمانان را به حفظ کشور و حفظ دین ترغیب می‌کند تا از مشروطیت حمایت کنند و مانع سلطه دشمنان بر دین و کشور خود شوند، زیرا به اعتقاد او مشروطه پادشاه مستبد مطلق العنان را مقید می‌کند و از طرف دیگر با قانونی کردن کلیه امور کشور به وسیله عقلای کشور در مجلس، نظام سیاسی از قوت و مشروعیت بیشتری برخوردار می‌شود و همین امر باعث ایجاد نظم و امنیت بیشتر در کشور می‌شود: «باید با همدیگر متحد شوید و عقلای سیاسی‌دان خود را که بی غرض باشند انتخاب کنید که تمام امور مملکت را در تحت ضابطه و قانونی [که] به حال مملکت شما مفید باشد نه مضر، در آورند و ادارات دولت و رجالی را که به اشغال ملکی مشغول اند به عمل [به] آن وا دارند. و از طرف خود، نظاری امین بر اعضای دولت بگمارند که در عمل خیانت نکنند تا مملکت شما منظم شود و شر اشرار و اعادی دنیا و دین شما محفوظ بماند. و ملخص مشروطیت، تبدیل کردن سیاست مندرسه دل‌بخواهانه مملکت است به موازین متقنه منضبطه که قوت و حفظ مملکت باشد. و از این بیان واضح و روشن است که بر همه افراد مسلمین در این زمان، از عالم و عامی، ... غایت سعی و نهایت اهتمام در حفظ اساس مشروطیت سلطنت ایران، به جهت حفظ دولت اسلامی و

اعتلای لوای اسلام در آن مملکت لازم، و تهاون و سستی در آن را، اگر چه سکوت و ترک مداخله باشد، تهاون و تساهل در حفظ بیضه اسلام است» (آبادیان، ۱۳۷۴: ۱۹۸).

۲- عمادالعلماء خلخالی

سید عبدالعظیم عمادالعلماء خلخالی از علمای عصر مشروطیت است که در دفاع از مشروطیت قبل از استبداد صغیر رساله‌ای با عنوان «بیان معنی السلطنه و فوائدها» نوشت و در آن از فوائد مشروطیت که باعث کاهش ظلم و افزایش امنیت است بسیار گفت. اما نکته‌ای که درباره بحث این مقاله باید به آن اشاره کرد این است که خلخالی با استفاده از یک استدلال منطقی و دینی که نتیجه آن حفظ دین و امنیت کشور است، ضرورت التزام به نظام مشروطه را بیان می‌کند. او چنین استدلال می‌کند که تغییر نظام سلطنتی پادشاهی به نظام مشروطه و قانونی باعث افزایش نظم و امنیت در جامعه و پیشرفت کشور در صنعت و فناوری است و پیشرفت در این امور باعث سربلندی کشور و عزت دین و حفظ اساس اسلام و مملکت می‌شود. پس ایجاد مشروطه و ملزومات آن مانند مجلس و قانون که صغرای این قضیه منطقی است باعث عزت و سربلندی دین و کشور می‌شود که کبرای این قضیه است و این مسائل هیچ ربطی به دینی و شرعی بودن موضوعات مانند ضرورت تأسیس راه آهن و کارخانه ندارد تا حکم شرعی در باره آنها صادر بشود و عده‌ای بگویند کارخانه و صنعت ایجاد کرده‌اند از دین خارج شده‌اند یا کافر و فاسدالعقیده‌اند: «... قوانین سلطنتی [مشروطه] ربطی به احکام و تکالیف شرعی ندارد و با قواعد متشرعه اصلاً و فرعاً بوجه من الوجوه، مزاحم و معارض نیست، بلکه تماماً از قبیل تعیین موضوعات است. پس صحت و لزوم کبری که حفظ بیضه اسلام و بقای طریقه جعفریه و دوام سلطنت شیعه اثنا عشریه باشد، جای شبهه احدی از جاهل و عاقل نیست. اما صغرای آن که امروزه به اقتضای این زمان کدام یک از علوم و معارف و اسباب و آلات و ادوات بیشتر مدخلیت در بقای طریقه جعفریه و در دوام ترقی سلطنت سلطان شیعه اثنا عشریه دارد، امری هست داخل در موضوعات؛ تصویب آن مربوط به رأی و اراده رؤسای روحانی ملت و محول به تصویب دانشمندان عقلای مملکت است که در امور سیاسی و مدنی اطلاع و آگاهی دارند» (زرگری نژاد، ۱۳۷۴: ۳۴۸ - ۳۰۱).

۳- شیخ نورالله نجفی اصفهانی

آیت‌الله نجفی اصفهانی از دیگر علمای عصر مشروطیت است که در رساله‌ای تحت

عنوان «مکالمات مقیم و مسافر» به دفاع از مشروطیت پرداخت. از لابه‌لای بحث‌های این رساله می‌توان پی به دغدغه‌های دینی و ملی این عالم دینی برد. او در این رساله که به صورت پرسش و پاسخ نوشته شده است در زمینه امنیت ملی، همان نگرانی فقهای دیگر را دارد و از این می‌ترسد که اگر مملکت مشروطه نشود دیر یا زود اساس اسلام و مسلمانی از کشور بر چیده شود. او معتقد است که نظام پادشاهی ناتوان در انجام وظیفه خویش در جهت حفظ اساس مسلمانی و تأمین امنیت برای شیعیان ناتوان است. لذا باید برای حفظ اسلام و مسلمین، حکومت مشروطه را بر پا کرد. بنابراین همان‌گونه که در صدر مقاله نیز توضیح داده شد از دید فقها راه حل نجات کشور و مسلمین و تأمین امنیت ملی و دینی از طریق حذف نظام استبدادی میسر است. او می‌نویسد: «... [در گذشته] ظلم از سلاطین اعصار و رجال دربار بسیار بود، لکن اصل و اساس اسلام محفوظ و به واسطه قدرتی که سلاطین اسلام داشتند، هجوم اجانب و تسلط خارجه و اضمحلال محکمه اسلام بالکلیه نمی‌شد. اما این اوقات که سلاطین بیت المال مسلمین را خرج شهوت‌رانی و مصارف مضره به اسلام و تضعیف مسلمین کردند و معاهده دول هم جوار هم تمام شده و ما را مال المصالحه قرار داده و از برای دولت ما مقاومت با هیچ یک از آنها به قدر یک ساعت نبود، ناچار به جهت حفظ اسلام در مقام احیای قانون مشروطه و اتحاد، اتفاق، احیای عدل و مساوات که از اول امر همه مایه ترقی اسلام بود برآمده، که به این وسیله، اسلام را محفوظ و مسلمین را قوی و به قواید دینی و دنیوی محفوظ دارند» (نجفی اصفهانی، ۱۳۷۴: ۴۴۷-۴۴۶).

یا در جای دیگر تنها راه حل نجات اسلام و مسلمین از دست اجانب را تبدیل نظام پادشاهی به مشروطه ذکر می‌کند و می‌نویسد: «امروز حفظ اسلام موقوف به مشروطه شدن سلطنت است. اقتضای زمان و قوت رقبای دولت، وضع ماها و هزاران نکته دیگر، که ارباب حل و عقد امر مملکت و رموز سیاست می‌دانند. امکان ندارد که این ملیت و قومیت یک مشت شیعه برقرار بماند مگر به مشروطه شدن... اگر دولتی هر قدر مختصر باشد، قبول تمدن کرد یعنی یا مشروطه یا جمهوری شد، محفوظ است و هیچ دولت قوی نمی‌تواند دست‌اندازی به آن بکند» (نجفی اصفهانی، ۱۳۷۴: ۴۴۷-۴۴۶).

نتیجه‌گیری

در مجموع از بررسی متون دینی و فقهی در باب امنیت و مطالعه موردی دیدگاه فقها در عصر مشروطیت در این زمینه و مقایسه آنها با دیدگاه‌های جدید درباره امنیت

ملی به این نتیجه می‌رسیم که اولاً دیدگاه غالب در متون دینی و فقهی و نظر فقها در مکتوبات سیاسی خود دیدگاهی سلبی از امنیت است و آنها بیشتر امنیت ملی را در قالب نبود تهدید برای جامعهٔ مسلمین و شیعیان و حفظ اساس اسلام که از آن به حفظ بیضهٔ اسلام یاد می‌شود، معنا کرده‌اند؛ و ثانیاً فقها در عصر مشروطه به خاطر اقتضای زمانه و ناامنی حاصل از حکومت پادشاهی قاجاریه به حمایت عملی و نظری از نهضت مشروطه پرداختند تا در سایهٔ این حکومت امنیتی برای جامعهٔ شیعی به ارمغان آورند که دیگر در آن از ظلم ظالم و سلطهٔ بیگانه خبری نباشد. آنها در خلال مکتوبات خود با همین هدف، با استفاده از اصول و قواعد و ادلهٔ شرعی به توجیه مشروطه‌ای پرداختند که ماهیت آن اسلامی باشد و به هیچ وجه نظام مشروطه غربی را تأیید نمی‌کردند. آنها با کمک اصول و قواعد فقهی نظیر امور حسبیه، امر به معروف و نهی از منکر، مقدمهٔ واجب و موقوفهٔ مغضوبه سعی کردند باعث حفظ اساس اسلام و مسلمانی شوند، همچنان که اسلاف آنها از علما و فقهای پیشین نیز همین‌گونه عمل کرده بودند.

یادداشت‌ها

۱. اشاره به فتوای سیاسی معروف میرزای شیرازی در تحریم تنباکو دارد، فتوا چنین بود «الیوم، استعمال تنباکو و توتون بآئین‌نحوکان در حکم محاربه با امام زمان علیه‌السلام است.»
۲. آیت الله نائینی به گفتهٔ خودش در مقدمهٔ این کتاب، هدف از انتشار آن را برای «تنبیه امت به ضروریات شریعت و تنزیه ملت از کفر و زندقه و الحاد و بدعت» ذکر می‌کند. در واقع، این کتاب توجیه دینی و شرعی حکومت مشروطه است و می‌توان در آن یافت (نائینی، ۱۳۶۱: ۶).
۳. «امور حسبیه» از جمله مباحث مهم فقهی است که فقها به صورت پراکنده در ابواب فقهی یا کتب فقهی مستقل به آن پرداخته‌اند و در زمینهٔ امور عمومی مانند امر به معروف و نهی از منکر و حفظ مرزها و سرپرستی اموال ایتما بحث می‌کند که شارع راضی به توقف آنها نیست. شهید اول در کتاب دروس و فیض کاشانی در کتاب الوافی به صورت مستقل و خاص به این مبحث پرداخته‌اند.
۴. فلاسفهٔ اسلامی حکمت عملی را به سه قسمت تقسیم کرده‌اند: ۱- علم اخلاق یا تهذیب نفس؛ ۲- سیاست مدنی یا علم الاجتماع؛ ۳- تنظیم خانواده یا علم تدبیر منزل. سیاست مدنی یا همان علم سیاست که وظیفهٔ حفظ نظم داخلی و جلوگیری از سلطهٔ خارجی را دارد، همان جزء دوم از حکمت عملی است که نائینی به آن اشاره کرده است.

منابع

- آبادیان، حسین (۱۳۷۴). *مبانی نظری حکومت مشروطه و مشروعه*، تهران: نشر نی.
- اسماعیلی، محسن (۱۳۷۹). *امنیت و شریعت*، کتاب نقد، شماره‌های ۱۴ و ۱۵.
- اصفهانی کربلایی، حسن (۱۳۸۲). *تاریخ دخانیه یا تاریخ وقایع تحریم تنباکو*. به کوشش رسول جعفریان، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۰). *ساخت دولتی امنیت ملی*، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال چهارم، شماره ۱۳.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۵). «صورت بندی امنیت ملی در حوزه فقه سیاسی». *فصلنامه علوم سیاسی*، سال نهم، شماره ۳۳.
- افتخاری، اصغر (۱۳۷۹). «امنیت در حال گذار: تحول مفهوم امنیت در قرن بیست و یکم». *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال سوم، شماره ۱۰.
- بوزان، باری (۱۳۷۸). *مردم، دولت‌ها و هراس*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پژوهشکده مطالعات راهبردی (۱۳۷۵). *گزیده مقالات سیاسی - امنیتی*، ج ۱. تهران: انتشارات بینش.
- زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۷۴). *مسائل مشروطیت*، تهران: انتشارات کویر.
- خمینی، روح الله (۱۳۷۸). *شئون و اختیارات ولی فقیه مبحث ولایت فقیه از کتاب البیع*. ترجمه جعفر کیوانی. تهران: بی‌نا.
- خمینی، روح الله (۱۳۷۸). *شؤون و اختیارات ولی فقیه*. ترجمه مبحث ولایت فقیه از کتاب البیع، تهران: بی‌نا.
- روشندل، جلیل (۱۳۸۵). *امنیت ملی و نظام بین‌المللی*، تهران: انتشارات سمت.
- کاشف الغطاء، شیخ جعفر (بی‌تا). *کشف الغطاء عن مبهمات شریعه الغراء*. اصفهان: انتشارات مهدوی.
- کسروی، احمد، (۱۳۶۳). *تاریخ بیماری ایرانیان*. چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- عمید، حسن (۱۳۷۹). *فرهنگ فارسی*. چاپ نوزدهم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۳۷۶). *دیدگاه حکومتی در نظریه حاسبه (فرضیه حکومت با اختیارات محدود)*. *فصلنامه حکومت اسلامی*. سال دوم، شماره ۳.
- لکزایی، نجف (۱۳۸۵). «ضرورت تأسیس رشته فقه امنیت». *فصلنامه علوم سیاسی*، سال نهم، شماره ۳۳.

- ماندل، رابرت (۱۳۷۹). *چهره متغیر/ امنیت ملی*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ماکیاولی، نیکولو (۱۳۷۷). *گفتارها*. ترجمه محمد حسن لطفی، تهران: انتشارات خوارزمی.
- مجلسی، محمد باقر (۱۳۷۶ قمری). *بحار الانوار*. بیروت: مؤسسه الوفاء و داراحیاء التراث العربی.
- معین، محمد (۱۳۶۳). *فرهنگ فارسی*. چاپ ششم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- نائینی، میرزا محمدحسین (۱۳۶۱). *تنبیه الامم و تنزیه الملئ*. مقدمه سید محمود طالقانی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- _____ (۱۳۷۴). *نهج البلاغه*، ترجمه سید جعفر شهیدی. چاپ هشتم. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.